

رفیق ابراهیم نجاران



در شهریور ماه سال 1367 رفیق ابراهیم نجاران پس از سه سال و نیم اسارت در جریان توطئه قتل عام زندانیان سیاسی، به وسیله جلاخان رژیم اسلامی اعدام شد و با شهادت او سازمان ما یکی از رزمندگان وفادار و ثابت قدم خود را از دست داد.

رفیق ابراهیم که در سازمان ما او را با نام های مستعار محسن و منوچهر می شناختند، در سال 1336 در روستای کولج طالقان در یک خانواده زحمتکش به دنیا آمد. شرایط سخت زندگی خانوادگی و محرومیت حاکم بر زندگی روستائیان، از همان ابتدا کینه عمیق او را نسبت به بی عدالتی و نظام تبعیض و استثمار برانگیخت. کینه مقدسی که آتش آن تا آخرین لحظه حیاتش در سینه اش شعله می کشید. دوران تحصیل را ابتدا در طالقان و بعد در تهران گذراند و سپس در رشته جغرافیائی شبانه دانشسرای عالی تهران (دانشگاه تربیت معلم) پذیرفته شد. در دانشگاه رفیق ابراهیم با توجه به زمینه کاملاً مساعدی که داشت جذب فعالیت های انقلابی شد و در این زمان که مقارن با اواخر سلطنت ستم شاهی و اوج گیری مبارزات توده ای بود، در فعالیت های صنفی و سیاسی با تمام قوا شرکت جست و هم زمان با پذیرش مارکسیسم به عنوان تنها راه رهائی کارگران و زحمتکشان، ایدئولوژی طبقه کارگر را پرچم و راه نمای مبارزه انقلابی خود قرار داد. بعد از پیروزی قیام بهمن و مدت کوتاهی پس از شروع فعالیت " راه کارگر" او به عنوان یکی از فعالین پرشور آن با تمام توان خود به سازمان ما پیوست.

با ارتباط با شوراهای دهقانی، در سازمان دهی دهقانان زحمتکش منطقه طالقان تلاش نمود. با همکاری تعدادی از فعالین منطقه، موفق به سازمان دهی کتاب خانه های سراسری و متعدد در سطح منطقه طالقان شد که از آنها استقبال وسیعی به عمل آمد و در ادامه همکاری اش با دیگر نیروهای انقلابی محلی، ائتلافی تحت نام " اتحاد زحمتکشان طالقان" ایجاد گردید که با فعالیت های مرتب تبلیغاتی باعث

آشفته‌گی تمامی ارگان‌های سرکوبگر رژیم در سطح منطقه شده بود. در سال 59 رفیق بنا به ضرورت‌های تشکیلاتی و نیز محدودیت‌های امنیتی که در منطقه داشت، فعالیتش را در تشکیلات شهر کرج سازمان آغاز نمود و با تلاشی خستگی‌ناپذیر وظایف تشکیلاتی انقلابی خود را همه‌جانبه هم در شهر کرج و هم در ارتباط با سازمان دهی نیروها در منطقه طالقان پیش می‌برد.

پس از خرداد 60 استعداد انقلابی رفیق بیش از پیش شکوفا شد و او نشان داد که در شرایط سخت سرکوب نیز انقلابی‌ای تواناست. او در هر فعالیت ریز و درشتی که امکانش را می‌یافت، فعالانه شرکت می‌جست. در سازمان دهی نیروها، وصل مجدد رفقای قطع ارتباط شده، شعار نویسی، پخش اوراق تبلیغی، ارسال اعلامیه و نشریه به منطقه و یا هر فعالیت دیگر. و در کنار همه اینها به عنوان کارگر کار می‌کرد. شعارهایی که رفیق با خط زیبایش در محلات زحمتکش نشین کرج نوشته است، سال‌ها پس از آن هم چنان بر روی دیوارهای این محلات به چشم می‌خورد. در اوائل سال 61 رفیق ابراهیم در همکاری با دیگر نیروهای انقلابی منطقه، موفق به انتشار خبرنامه‌ای تحت عنوان "خبرنامه کرج- قزوین- زنجان و طالقان" شد که از کارآئی خوبی برخوردار بود. تمام اینها در شرایطی صورت می‌گرفت که به علت حساسیت پلیس او به صورت مخفی زندگی می‌کرد و محدودیت‌های زیادی برای پیش برد فعالیتش داشت و به همین علت مجبور شد مدتی فعالیت خود را تغییر دهد. هم‌زمان با نقد پوپولیسم در سازمان و سمت‌گیری کارگری، رفیق ابراهیم مجدداً در یکی از محلات کارگری کرج مستقر شد. در این دور او قادر شد به عنوان سازمانگری توانا و موفق با توده‌های مردم درآمیزد و مبارزاتشان را سازمان دهی نماید. وی با شرکت در تشکل‌های مختلف، با ارتباط‌گیری وسیع و با تلاش در جهت حل مسائل و مشکلات و خواسته‌های مردم محل، به زودی تبدیل به یکی از چهره‌های محبوب و مورد اعتماد آنان شد. با وجود آن که مدت کوتاهی از سکونتش در محل می‌گذشت، به خاطر دل‌سوزی، محبت و هم‌پاری‌ای که نسبت به مردم نشان می‌داد، خانه‌اش محل رفت و آمد و مراجعه‌ی اهل محل برای حل مسائل و مشکلات شخصی و اجتماعی‌شان شد. از کارگر، راننده، سرباز، عضو شورای محل، گردانندگان تعاونی و غیره برای صحبت و هم‌فکری به وی مراجعه می‌کردند. در این مدت او توانست حرکات مؤثری را در راستای خواسته‌های مردم، تشکل‌یابی و مبارزه با اعمال نفوذ جاسوسان رژیم در محل سازمان دهی نماید و همراه با این، رفیق کمترین امکان برای گسترش ارتباط با کارخانجات منطقه را از دست نمی‌داد و به همین دلیل همیشه در جریان اخبار و

مسائل تعداد قابل توجهی از کارخانجات منطقه بود و در جهت سازمان دهی مبارزات کارگران این کارخانه ها بیشترین تلاش را به عمل می آورد. رفیق ابراهیم در تابستان سال 61 ازدواج نمود. همه کسانی که با رفیق ابراهیم فعالیت تشکیلاتی داشته اند، او را رفیق سرزنده، با نشاط، منضبط و با پشت کار یافته اند. یکی از رفقای تحت مسئولیتش می گفت هر وقت او را می بینم، روحیه عالی و با نشاطش کلی در من تأثیر می گذارد و به من روحیه می دهد. او سازمان دهی توانا، در تشکیلات شهر کرج سازمان بود. حساسیت و دقت رفیق در زمینه مسائل امنیتی یکی از خصوصیات بارز او بود. او کمونیستی بردبار و محبوب بود و در عین حال در طرح ضعف ها و انتقادات رفقاییش از صراحت لازم برخوردار بود. در اواخر سال 63 به علت تراکم مسائل امنیتی و حساسیت زیادی که عوامل رژیم نسبت به وی پیدا کرده بودند، رفیق به شهر ساری منتقل شد. در جریان این انتقال و به احتمال زیاد، به علت خیانت یک عنصر خود فروخته، رفیق همراه با همسرش در سال 1364 دستگیر شد و بلافاصله به اوین منتقل گردید و تحت شکنجه های شدید قرار گرفت. با وجود آن که به خاطر همکاری فرد خائن ذکر شده با رژیم، سازمان تا 6 ماه از دستگیری رفیق غیر مطلع مانده و نتیجتاً از اطلاعات او عقب نشینی نشده بود، اما به خاطر ایستادگی و مقاومت رفیق ابراهیم در مقابل تمامی شکنجه ها، رژیم در پیش برد مقاصدش برای وارد کردن ضربه بیشتر ناکام ماند. ماه ها شکنجه وحشیانه نتوانست ذره ای از مقاومت و اراده آهنینش بکاهد و لب راز دارش را بگشاید. 11 ماه پس از دستگیری در اولین ملاقاتی که با یکی از افراد فامیلش داشت، در مقابل این نصیحت که از موضعش کوتاه بیاید، قاطعانه ایستاد و از حقانیت مبارزه اش دفاع کرد و انگشت روی ستم و تبعیض و بی عدالتی حاکم بر جامعه ما گذاشت. در ملاقات دیگری گفته بود حتی اگر سرم برود، از مواضع دفاع می کنم. سال های اسارت رفیق در زندان های اوین، ساری، قزل حصار و گوهردشت، همراه با روحیه عالی و حماسی و به همین دلیل عمدتاً در سلول های انفرادی گذشت. رژیم بارها از او درخواست مصاحبه و توبه می کند که همیشه با نه قاطع و محکم رفیق مواجه می شود.

پس از پایان جنگ ایران و عراق و آغاز کشتار عام زندانیان سیاسی، جنایت کاران رژیم اسلامی که کینه عمیقی نسبت به رفیق ابراهیم داشتند، جزو اولین دسته از زندانیان سیاسی در شهریور 67 (احتمالاً 7 شهریور) این کمونیست سرسخت و مقاوم را به شهادت رساندند. نحوه شهادت رفیق بنا به قولی تیرباران و بنا به قول دیگری خفگی توسط گازهای سمی بوده است. رفیقی در مورد شهادت رفیق ابراهیم

چنین نوشته: پیکر پر افتخارش را در حصار کرج (گورستان امامزاده محمد) دفن کرده اند. بعد از شنیدن خبر، موجی از غم و خشم سراپای مردم دردمند طالقان و تمام دوستان و آشنایانش را فرا گرفت و این حاصل رفتار انقلابی و شایسته رفیق بود که از نفوذ توده ای بسیار زیادی برخوردار بود. مردم با این احساس که مبارزی صدیق را از دست داده اند، در فکر فردای گرفتن انتقامی سخت از جلادان تمامی رفقای شهیدمان می باشند. اگرچه اکنون دیگر ابراهیم در میان ما نیست و آدم کشان رژیم فقها او را از ما گرفتند، ولی یاد عزیز او در خاطره زحمتکشان روستاهای طالقان، در قلب کارگران و زحمتکشان محلات فقیر نشین کرج زنده است. او در آرزوهای کسانی که دوستش داشتند و او دوستشان داشت، جاویدان است. مبارزات دلیرانه این کمونیست رزمنده برای برقراری جامعه ای آزاد و فارغ از ستم و بهره کشی الهام بخش تمامی یارانش در تداوم راه اوست.